سفرنگاره‌هایی تا چهلمین روز

نگاهی به چند کتاب با محوریت پیاده‌روی اربعین؛ از خس بی‌سروپا تا درنگی در نجف

کتابخون

گروه ادبیات و اندیشه| کتاب خواندنی روی مخاطبش تأثیر می‌گذارد؛ حالا این تأثیر می‌تواند با پرداختن کتاب به موضوعی مهم، رویدادی ویژه، مسئله‌ای انسانی و امری جذاب باشد. پیاده‌روی اربعین را بزرگ‌ترین گردهمایی مذهبی سالانه جهان دانسته‌اند و چنین سوژه‌ای جامع ویژگی‌های یادشده است. راهپیمایی میلیون‌ها دوستدار امام حسین(ع) و اهل‌بیت پیامبر(ص) در مسیر رسیدن به حرم مطهر حسینی -که الزاما شیعه و مسلمان نیستند- جذابیت‌های بسیاری برای سفرنامه‌نویس دارد که این گیرایی را می‌شود در جزئیات تعاملات همسفران، ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی مسیر و جز این‌ها جست‌وجو کرد. حاصل پرداختن به این موضوعات، اگر به درستی انجام شود، اثری خواندنی خواهد بود که مخاطب را با نویسنده در تجربه مثال‌زدنی پیاده‌روی اربعین هم‌بهره خواهد ساخت. نویسندگانی که به این مهم توجه کرده‌اند و به تبع ایشان سفرنامه‌های چاپ‌شده‌ای با محوریت این راهپیمایی، کم نیستند از آن میان ۴کتاب را در آستانه اربعین حسینی برگزیده و معرفی کرده‌ایم.

خس بی‌سروپا

کتاب «خس بی‌سروپا» شامل سفرنوشته‌های حمید حسام به همراه عکس‌هایی از مسیر و راهپیمایان حرم حسینی است. حسام به عادت ایرانیان نقطه آغاز پیاده‌روی را نجف‌اشرف قرار داده و از شهر بارگاه امیرمؤمنان علی(ع) ۹۰کیلومتر طی می‌کند تا به بارگاه امام حسین(ع) برسد. او ضمن گزارش سفر، درباره زمینه‌های اعتقادی و روایی و حدیثی مبحث اربعین نیز نوشته است. نام کتاب از بیتی از یک سروده علامه‌طباطبایی گرفته شده است: «من خس بی‌سروپایم که به سیل افتادم/ او که می‌رفت مرا هم به دل دریا برد» در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «اینجا همان آرمان‌شهری است که در هیاهوی عصر مدرنیسم، غریب و ناشناخته مانده است. دین در اینجا دکان دنیاخواهی نیست. مردم این سرزمین فریاد علی(ع) را از اعماق تاریخ شنیده‌اند. دین را چون پوستین وارونه نپوشیده‌اند. ریا و تملق را کشته‌اند. مال و جان را برای معامله با خدا می‌خواهند. بر ایشان عروس هزاررنگ دنیا، نقاب از صورت کنار زده است و سیمای حقیقی این عجوزه سنت‌نهاد را می‌بینند. با حسین(ع) زندگی می‌کنند و با شوق دیدار او راه می‌روند.» «خس بی‌سروپا» را انتشارات سوره مهر در ۱۶۸صفحه به چاپ رسانیده است.

پیاده‌روی اربعین؛ تأملات جامعه‌شناختی

«پیاده‌روی اربعین: تأملات جامعه‌شناختی» مجموعه مقالاتی جامعه‌شناختی و انتقادی با موضوع پیاده‌روی اربعین و به کوشش محسن حسام‌مظاهری را دربرمی‌گیرد. «تشیع پاسدار» و پایان سندرم حسرت جغرافیای مقدس در تشیع: جامعه شیعی به مثابه جامعه‌ای در فراق» نوشته جبار رحمانی، «اربعین؛ دانسته‌ها و نادانسته‌ها از منظری اجتماعی» به قلم مهدی سلیمانیه، «میزبانان اربعین» اثر احمد شکرچی، «از نهادی شدن اربعین تا عرفی شدن آیین قدسی» نوشته محمدرضا یوپافر، «حاد واقعیت ژان بودریار؛ بررسی شایعات رسانه‌ای درباره آیین پیاده‌روی اربعین» به قلم محسن امین، «دعوت شدم به زیارت رنج‌آلود / ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق» نوشته نداز صوی‌زاده و «اربعین ایرانی؛ رشد تصاعدی آمار ایرانی‌ها در پیاده‌روی اربعین: دلایل و پیامدها» به نگارش محسن حسام مطاهر ی، مقالات این کتاب هستند. «پیاده‌روی اربعین: تأملات جامعه شناختی» را نشر آرما در ۲۴۸صفحه منتشر کرده است.

احضاریه

«احضاریه» اگرچه برپایه سفرنوشته شده و نوعی سفرنامه می‌تواند تلقی شود، جامه رمان به تن دارد. این کتاب به قلم علی مؤذنی، به نگارش درآمده است. حضور روزنامه‌نگاری به نام مسعود در پیاده‌روی اربعین در پی اصرار دوستش و رؤیای خواهرش عارفه درباره این سفر، ماجراهایی می‌سازد که محتوای کتاب بر آن تکیه دارد. خواننده این داستان با رفت‌وبرگشت‌هایی میان گذشته و حال روبه‌رو می‌شود و از این طریق به تصویری از زندگی مسعود می‌رسد. «توی خواب فکر می‌کردم برایم مهمان آمده و باید خودم را به زور بیدار کنم. چشم که باز کردم، دیدمش. می‌دانستم اوست. می‌شناختمش. روی مقنعه و چادرش گردوخاک نشسته بود... زیاد... گردوخاکی که حتی با شستن هم از بین نمی‌رود. گردوخاکی که جزو تار و پود شده... الهی نمیرم... لب‌هاش مسعود... لب‌هاش ترک خورده بود... از عطش...» نویسنده معتقد است برای زیارت، امام معصوم(ع) ما را نمی‌طلبد، بلکه احضار می‌کند و این باور حرفه انتخاب نام کتاب را می‌زند. «احضاریه» را نشر اسم در ۲۲۴صفحه روانه بازار کتاب کرده است.

درنگی در نجف

«درنگی در نجف» سفرنوشته‌های جواد کلاته‌عربی را شامل می‌شود، اما به نظر می‌رسد نویسنده ادعای سفرنامه‌نویسی نداشته است. او کوشیده از لحظات معنوی حضورش در پیاده‌روی اربعین «روایتی روان و تصویری شفاف» ارائه دهد: «خیلی‌ها چشمشان که به ایوان طلا می‌افتاد، بغضشان می‌ترکید و اشکشان جاری می‌شد. هرکسی به زبان دل چیزی می‌گفت و با مولایش راز و نیاز می‌کرد. بعضی‌ها دست‌هایشان را بلند می‌کردند رو به آسمان. بعضی بلندبلند گریه می‌کردند و با آقا حرف می‌زدند، بی‌آنکه کسی به چشمشان بیاید و خجالت بکشند. اما از وقتی وارد صحن ایوان طلا شدم، حال غریبی آمد سراغم. یک‌دفعه نه دلم غنج زد و لبخندی نشست روی لبم. تغییر شکل صورتم را خودم احساس می‌کردم. مثل کسی شده بودم که از فرط خوش‌حالی می‌خواست بخندد. کمی رفتم جلوتر؛ وسط صحن و مقابل ایوان. مثل هوای بهاری که فقط دوست داری نفس بکشی، دوست داشتم راه بروم و نفس بکشم. نمی‌دانستم چه‌ام شده بود!» «درنگی در نجف» را نشر اسم در ۳۲۴صفحه منتشر کرده است.

غربی‌ها آثار کلاسیک را در مدرسه می‌خوانند

نشست «نثرنویسان امروز روسیه» با حضور آیتین گلکار در نشر چشمه دلشدگان برگزار شد

عکس: مصطفی عباس‌آبادی

رادمنش| ادبیات کلاسیک روسیه از پرخواننده‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آثار ادبی جهان در ایران است، اما ادبیات امروز روسیه در کشور ما، نسبت به ادبیات امروز دیگر ملت‌ها -مانند آثار ادبی برخی کشورهای اروپای غربی و آمریکا- بسیار کمتر معرفی شده است. اینکه ادامه آن دوره طلایی چه شد و سنت ادبی روسیه در نسل امروز نویسندگان آن کشور چه بازتابی داشته، و وضعیت ادبیات داستانی روسیه امروز چگونه است، برای مخاطب فارسی‌زبان کمی گنگ است. بیست‌وچهارمین نشست دلشدگان که کتاب‌فروشی نشر چشمه‌دلشدگان آن را برگزار می‌کند، به موضوع «نثرنویسان امروز روسیه» اختصاص داشت. آن هم با حضور آیتین گلکار، مترجم جوان و البته نام‌آشنای ادبیات روس. آنچه کارنامه گلکار نشان می‌دهد، این است که کمتر به ادبیات کلاسیک روس و بیشتر به موضوعاتی توجه دارد که در فضای ادبی معاصر و امروز جغرافیای زبان روسی خلق می‌شود. گزارش پیش رو گزیده‌ای است از صحبت‌های این مترجم ادبی در برنامه یادشده.

تعریف دنیا از معاصر با تعریف ما متفاوت است

عنوان این نشست پیشنهاد خود من بود. اینکه چرا کلمه معاصر را به کار نبردم و گفتم «امروز»، به این دلیل است که معاصر برای ما یک تعریف دارد و برای کشورهای دیگر و ازجمله برای روس‌ها یک تعریف دیگر. معاصر برای ما قرن حاضر است، یعنی از سال ۱۳۰۱ تا امروز، اما برای آن‌ها معاصر یعنی روزگار ما، یعنی نویسندگانی که هنوز زنده‌اند یا تازه مرده‌اند و آثارشان نهایتا در ۳۰سال اخیر منتشر شده است. جمال‌زاده و هدایت از دید غربی‌ها دیگر معاصر به حساب نمی‌آیند.

درغرب آثار کلاسیک را در مدرسه می‌خوانند

در ایران همچنان آثار نویسندگان کلاسیک بازار خیلی بهتری دارد. البته خیلی‌ها می‌گویند ما علاقه داریم بدانیم الان در ادبیات روسیه چه می‌گذرد و از آن سنت غنی چه مانده است، اما در عمل خواننده‌های ایرانی خیلی دیر به اسم نویسنده‌ای که نمی‌شناسند، اعتماد می‌کنند. در کشورهای دیگر این‌طور نیست. من با مترجمان آثار روسی در کشورهای دیگر که صحبت می‌کنم، می‌بینم آنجا همیشه بازار کتاب ادبیات معاصر بهتر است. البته کلاسیک‌ها همیشه بازار خودشان را دارند، ولی معاصرها فروششان بیشتر است. یک دلیلش شاید این است که آن‌ها کلاسیک‌ها را در دوران مدرسه می‌خوانند و ادبیات جهان جزو درس‌هایشان و موضوعی زیربنایی است و خیلی طبیعی است که با شاهکارهای ادبیات جهان آشنا شوند. ما متأسفانه چنین درسی نداریم. در ادبیات فارسی هم ممکن است فقط تکه‌هایی از ادبیات مطرح کلاسیک خدا رابیاورند، اما کلاسیک و معاصر مکمل هم هستند و باید هر دو را خواند، چون باعث می‌شود به جریان ادبی کشورها دید بهتری داشته باشیم.

درمان‌های امروز، دردهای امروزمان را می‌بینیم

اینکه ادبیات امروز چه دارد، یکی این است که به دغدغه‌های ما خیلی نزدیک شده است؛ به‌خصوص ادبیات امروز روسیه که از نظر جغرافیایی و فرهنگی خیلی به ما نزدیک‌تر هستند تا ملت‌ها ادبیات خارج دور. وقتی آثار بعضی رومان‌ها را می‌خوانید، فکر می‌کنید انگار برای ما نوشته‌اند. من داستانی از یک طنزنویس روس ترجمه کردم و برای مجله آگا فارسی‌تام مسئولان مجله و بعد خواننده‌ها باور نمی‌کردند که این را یک نویسنده روس نوشته است. می‌گفتند خودت نوشتی و اسم یک نویسنده را گذاشتی بالای آن. خوشبختانه آن نویسنده صفحه ویکی‌پدیا داشت و توانستم ثابت کنم چنین نویسنده‌ای وجود دارد. ما در رمان‌های امروز دردهای امروز خودمان را پیدا می‌کنیم که در آثار کلاسیک پیدا نمی‌شود.

تبلیغات، نویسندگان اروپای غربی و آمریکا را معروف‌تر می‌کند

یک علت اینکه نویسندگان امروز اروپای غربی و آمریکا در ایران طرف‌دار بیشتری دارند، نقش مطبوعات و رسانه‌هاست که خبر آن‌ها را بیشتر منتشر می‌کنند. مثلا خبر جوایزی مثل نوبل و بوکر و پولیتزر کمابیش مطرح است و مردم نام‌های نویسندگان آن‌ها را بیشتر شنیده‌اند. عنوان جایزه هم عاملی است برای تبلیغ، ولی کسی جایزه‌های روسی را نمی‌شناسد. شما روی کتاب بنویسید برنده بوکر روسی، این برای مردم چه اهمیتی دارد؟ با این همه اگر نویسنده‌ای یک کتابش ترجمه و مطرح شود، مخاطب خودش را پیدا می‌کند.

کورکوف، نویسنده‌ای که مغضوب حکومت روسیه شد

آندری کورکوف در ایران با رمان «مرگ و پنگوئن» معرفی و شناخته شد. او نویسنده اوکراینی است که به روسی می‌نویسد، ولی در عین حال در همه آثارش اوکراین حضور پررنگی دارد. معمولا یک موقعیت یا واقعه خیلی خارق‌العاده‌ای را که در عالم واقع امکان تحقق ندارد، در مرکز داستان قرار می‌دهد و بقیه چیزها را حول آن روایت می‌کند. مثلا در «مرگ و پنگوئن» یک نفر حیوان خانگی‌اش پنگوئن است. ولی همه چیزهای دیگر واقعی است. کور کوف چون به روسی می‌نوشت، در خود روسیه هم مطرح بود. از زمان وقایع اوکراین و تیرگی روابط این کشور با روسیه، او به‌شدت طرف اوکراین را گرفت و بعد از این موضع‌گیری علیه روسیه، اجازه انتشار کتاب‌هایش را در روسیه ندادند. مثلا «نیروهای خاکستری» در روسیه پیدا نمی‌شود. این کتاب نسبت به کتاب‌های دیگر او خیلی رئالیستی‌تر است. رمان ماجرای زنبورداری را شرح می‌دهد که بین جبهه اوکراینی‌ها و جبهه روس‌هاست و این وسط به‌اصطلاح منطقه خاکستری نام دارد. این کتاب از این نظر برایم جالب بود که به خواننده ایرانی تصویری از وقایع اوکراین از دید اوکراینی‌ها می‌دهد. چیزی که در اخبار ما پخش می‌شود، معمولا موضع روس‌هاست، اما این کتاب موضع اوکراینی‌ها را نشان می‌دهد.

مهم‌تر از ترجمه بی‌واسطه، زحمت مترجم است

یکی از سؤال‌های همیشه مطرح درباره ترجمه از زبان واسطه است. خیلی از آثار مستقل که از زبان واسطه ترجمه شده‌اند، اما ترجمه‌های خوبی هستند. مثلا ترجمه آقای قاضی از «من کیشوت» از زبان واسطه است، اما من به ترجمه‌ای که لالان از زبان اصلی هم صورت گرفته است، شک دارم. بحث اصلی این است که مترجم چقدر برای کارش وقت گذاشته است. من ترجیح می‌دهم شخصی مثل آقای دریابندری کل ادبیات روسیه را از زبان واسطه ترجمه کند تا برخی از زبان اصلی.

فراخوان

شعار بدهید، جایزه بگیرید

مهلت پاسخ‌گویی به فراخوان نمایشگاه کتاب تهران رو به پایان است

غزاله حسین‌پور| رفته‌رفته به پایان ماه اول پاییز نزدیک می‌شویم و هم‌زمان واپسین مهلت برای ارائه پیشنهاد شعار به برگزارکنندگان نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در دوره بعد، به سر می‌رسد. این پیشنهادها در پاسخ فراخوان پیشنهاد شعار برای نمایشگاه سی‌وسوم و در شرایطی فرستاده خواهد شد که شعارهای سال‌های اخیر در این‌باره انتقادهایی به دنبال داشته است. از دیپلمات ماه هر سال یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور - اگر نگوییم مهم‌ترین - در پایتخت شکل می‌گیرد. «نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران» در این مقطع زمانی با حضور ناشران داخلی و خارجی برپا می‌شود تا تازه‌ترین‌های بازار نشر را در معرض نمایش و فروش علاقه‌مندان بگذارد و معمولا هر با استقبال شایان و دلگرم‌کننده این علاقه‌مندان همراه است.

نخستین دوره این نمایشگاه سال ۱۳۶۶ در نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد و مکان برگزاری آن تا سال ۱۳۸۵ ثابت باقی ماند، اما از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵، مصلای امام خمینی(ره) میزبانی این رویداد را بر عهده گرفت. با ایجاد مشکلات ترافیکی و شلوغی بیش از اندازه راه‌ها، بنا بر این شد که دوره بعدی آن در سال ۱۳۹۵، به مجموعه نمایشگاهی در دنبال آفتاب نقل مکان کند که البته این تصمیم نیز منتقدانی داشت. سال ۱۳۹۷ بار دیگر نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به محل قبلی خود، مصلای امام(ره)، انتقال پیدا کرد.

در هر یک از دوره‌های گوناگون این رویداد، شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه کتاب شعاری برای آن برگزید. این شعارها گاه مناسب و زیبا انتخاب شد -مانند «درخت ایران ریشه در آب‌های خلیج فارس دارد»- اما در مواردی نیز سیاست‌گذاران را با انتقاد روبه‌رو کرد. برای نمونه، همین امسال سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «خواندن، توانستن است» آغاز به فعالیت کرد، اما این شعار واکنش‌هایی را برانگیخت. مثلا چنان که باشگاه خبرنگاران از زبان حسین اسرافیلی، شاعر، نقل کرده است، شعار یادشده، «شعار به‌روزی نیست. یعنی به گونه‌ای کوچک کردن همان شعار معروف «توانا بود هر که دانا بود» است. دانا بودن را فقط نباید به خواندن تعبیر کرد. در شعار نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران داریم بیت فردوسی را کوچک می‌کنیم.» با برپایه گزارش ایسنا، از شعار نمایشگاه قبل از آن نیز که «نه به کتاب‌نخواندن» بود، به سبب استفاده از ۴کلمه با بار منفی انتقاد شد.

حالا سیاست‌گذاران و برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب تهران با فراخوانی که در آن از مردم در این‌باره یاری خواسته‌اند، منتظرند که شعارهایی مناسب و شاید کاراتر از گذشته به دستشان برسد و سال آینده این رویداد کمتر با انتقاد روبه‌رو شود. اوایل سال ۱۳۹۹، سی‌وسومین دوره از این نمایشگاه برپا خواهد شد و ستاد برگزاری آن، با انتشار فراخوانی در آغاز پاییز، از علاقه‌مندان برای همکاری و فرستادن پیشنهادهای خود در این زمینه دعوت کرده است. هر شرکت‌کننده می‌تواند ۲شعار پیشنهاد دهد و به ارسال‌کننده جمله یا عبارت برگزیده هدیه‌ای نیز تعلق خواهد گرفت. همچنین، کلیه فعالیت‌های این دوره از نمایشگاه، حول محور شعار منتخب برنامه‌ریزی و عملی خواهد شد.

بر پایه اعلام نارنمای رسمی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، علاقه‌مندان برای ارائه پیشنهادهای خود می‌توانند تا تاریخ ۳۰مهرماه شعارهای مدنظر را همراه با مشخصات خود، به رایانامه PR@tibf.ir بفرستند.

سی‌وسومین دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از تاریخ ۲۶فروردین تا ۵اردیبهشت ۱۳۹۹ برگزار خواهد شد.

رویداد

۱ هیئت مؤسس «خانه ادبیات مشهد» به عضویت در مجمع عمومی این کانون فراخوان داد. بر مبنای فراخوان پذیرفته‌شده، شاعران، مترجمان و عموم اهالی قلم که خود را واجد شرایط عضویت می‌دانند، دعوت شده است تا خلاصه‌ای از کارنامه ادبی‌شان را برای مؤسسان خانه ادبیات بفرستند. برای تحقق این منظور، ۲روش اعلام شده است؛ نخست، اعلام آمادگی و ثبت‌نام و ارسال کارنامه ادبی به پیام‌رسان شماره ۰۹۳۱۹۸۹۶۲۸ و دوم، حضور علاقه‌مندان در ساعت اداری در خانه هنرمندان مشهد به نشانی انتهای خیابان بهشتی. آخرین مهلت برای پاسخ‌گویی به این فراخوان، چهارشنبه اول آبان‌ماه ۱۳۹۸ مقرر شده است.

۲ نخستین مجمع خیرین توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتاب‌خوانی خراسان‌رضوی با حضور جمعی از مسئولان و نیکوکاران در کتابخانه مرکزی امام خمینی(ره) مشهد برگزار شد. فرهنگ‌سازی برای هوشمندسازی شهر و طراحی برنامه‌های جامع اطلاع‌رسانی شهری، توجه به علم و پژوهش با توجه به منویات رهبر معظم انقلاب در منشور امید، اجتماعی شدن دغدغه کتاب‌خوانی با استفاده از ظرفیت مردم و به‌ویژه نیکوکاران، توسعه کتاب‌خوانی و مطالعه در مراکز عمومی مانند اتوبوس‌ها و قطارشهری، توجه به حاشیه شهرها و توسعه کتابخانه‌های سیار ازجمله پیشنهادهای اعضای مجمع خیرین توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتاب‌خوانی خراسان‌رضوی بود.

همچنین در این نشست، طرح ایجاد ۲کتابخانه سیار در مشهد با همکاری اداره‌کل کتابخانه‌ها و مجمع، پیگیری اهدای کتاب نیکوکاران و ایجاد فضاهای مطالعه در فضاهای پرتردد شهری ازجمله اتوبوس‌ها و قطارشهری و تأمین جایز نفیس برای مسابقات از سوی مجمع مصوب شد.

به روایت تصویر

#مشهد_برای_حسین(ع)

فضای شهر با آثار هنرمندان آیینی برای عزاداری‌های آخرماه صفر مهیا شد

سیزه‌قبا| اکوان‌های گرافیکی در دهه نخست محرم که شهر را آراسته بود و حال‌وهوای شهر و ندان مشهدی و زائران امام هشتم(ع) را متفاوت کرده بود، اکنون با شکلی دیگر مشهد را برای عزاداری‌های پایانی ماه صفر در قالب «کمپین مشهد برای حسین» آماده کرده است. در آن طرح‌های دهه اول محرم، شعرهای مرحوم فیض امین پور به‌صورت طرح دوخت روی پارچه اکوان شده بود و در این اکوان، از دیروز آثار خوش‌نویسی و خطاطی هنرمندان بومی و ملی بر روی بیلبوردها و تابلوها در شهر به نمایش درآمده است. به گزارش شهرآرا، ۹طرح استرابرد و ۷طرح بیلبورد آماده شده است. همچنین، حدود ۱۷۰بیلبورد و ۳۲۰ استرابرد، که بیش از ۱۲هزار مترمربع مساحت دارد و نیمی از سازه‌های تبلیغاتی مشهد را شکل می‌دهند با محتوایی اربعینی همچون فرازهایی از زیارت اربعین و قطعاتی از اشعار شاعران آیینی (هادی خورشاهیان، محمدجواد غفورزاده، سیدرضا مؤید و عبدالعلی نگارنده) تا پایان ماه صفر در شهر اکوان می‌شود. همچنین در روزهای آینده، نیمی دیگر از سازه‌ها با محتوای متناسب با شهادت امام رضا(ع) به این تعداد افزوده خواهد شد؛ تا بر این اساس، همه بیلبوردها و استرابردهای مشهد در تمام نقاط شهر، حامل هنرنمایی هنرمندان خوش‌نویس برای عزاداری‌های ده‌ها پایانی صفر باشد. علاوه‌بر این تعداد، تلویزیون‌های شهری هم به پخش تصاویری با همین مضمون خواهند پرداخت. نزدیک به ۵۰خوش‌نویس در کارگاهی دوروهم نشسته و برای محتوای این طرح هنرنمایی کرده‌اند که از میان آن‌ها، آثار برگزیده برای اکوان انتخاب شده‌اند. با این تفاوت فرمی در تولید آثار تبلیغی شهری، می‌توانیم منتظر اکوان‌هایی متفاوت، جذاب و معنوی در مشهد مقدس باشیم؛ مشهدی که در این روزها مرکز توجه همه جهانیان و عاشقان و دل‌باختگان اهل‌بیت(ع) است.

هر قدم، یک قاب

محمدحسن صلواتی| هرسال با فرارسیدن اربعین حسینی، فضای مجازی و رسانه‌ای پر می‌شود از تصاویر این اتفاق بزرگ. پیاده‌روی اربعین حسینی از آن دست اتفاقاتی است که اگر کسی در بطن آن قرار بگیرد. لاجرم غافلگیر می‌شود. جنس اتفاقات و روایت‌های تصویری پیاده‌روی اربعین، هر فردی را وادار می‌کند با هر وسیله‌ای که دستش می‌آید، به‌دنبال ثبت این اتفاق باشد؛ اتفاقی که در هیچ جای دنیا حتی شبیه آن را شاهد نیستید. از سفره پذیرایی هشتاد کیلومتری (مسیر نجف تا کربلا) تا جمعیت بیست و چند میلیونی از سرتاسر دنیا که برای رسیدن به یک مقصد مشترک، درحال حرکت هستند.

وقتی با این تصاویر روبه‌رو می‌شوی و خودت را بین سیل جمعیتی می‌بینی که مانند یک رود خروشان تو را و همه چیز را با خودش می‌برد، بهت‌زده می‌شوی. به جرئت می‌توانم بگویم که این عظمت و بزرگی را نمی‌توان در قاب هیچ دوربینی گنجاند. تا امروز میلیون‌ها فریم عکس و هزاران ساعت فیلم از پیاده‌روی اربعین که از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع بشری یاد می‌شود، ثبت و ضبط شده است اما کسی که تنها یک‌بار به این سفر رفته است، می‌داند که تمام این عکس‌ها و فیلم‌ها حق یک‌صدم آن اتفاقات را هم ادا نمی‌کند. عکس‌هایی که در ادامه می‌بینید، چند خرده روایت است از سال‌های قبل و سهم کوچک من از ثبت این اتفاق بزرگ.

زندگی با سینما

وقتی ضریح برای زیارت می‌آید

نگاهی به بازی حامد بهداد در فیلم سینمایی «هیهات»

زوزنی| به مادرش قول داده بود او را به کربلا ببرد. حالا با دستان خودش، مادرش را رو به قبله کرده اما هنوز نتوانسته است به وعده‌ای که داده بود، وفا کند. هرکه هم جای رحمان بود، همین کار را می‌کرد؛ حالا که موقعیت به کربلا رفتن مادر پیرش را نتوانسته است فراهم کند، کربلا را به خانه مادر مختضرش می‌برد.

این ایده چندخطی، داستان ایپزود اول فیلم سینمایی «هیهات» را شکل می‌دهد؛ فیلمی چهار ایپزودی که حامد بهداد، بازیگر مشهدی سینما، تلویزیون و تئاتر، در آن نقش رحمان را ایفا کرده است و همه تلاشش را می‌کند تا مادرش را به آرزویش که زیارت بارگاه امام حسین(ع) است، برساند.

هفت هشت سال پیش بود که ضریح جدید سیدالشهدا(ع) از قم خارج شد تا با عبور از شهرهای تهران، ساوه، اراک، بروجرد، خرم‌آباد، دزفول، اندیمشک، شوشتر، آبادان و اهواز به خاک عراق منتقل شود. همین انتقال باشکوه که آبستن اتفاقات بی‌شمار بود، دستمایه هادی نائیجی شد تا داستان این فیلم را براساس آن بنویسد و فیلمش را بسازد.

در این فیلم، می‌بینیم که عجز و التماس رحمان اقاقه نمی‌کند و مسئول «کاروان سفینه‌النجاه» راضی نمی‌شود که کامیون حامل قطعاتی از ضریح تازه امام حسین(ع) را به روستای محل زندگی مادر رحمان ببرد. رحمان که سماجت مسئول کاروان را می‌بیند، خود کامیون حامل ضریح را برمی‌دارد و آن را به روستای مادری‌اش می‌برد تا او را به آرزویش برساند.

بازی حامد بهداد در تمام صحنه‌های فیلم در نقش یک کارگر روستایی درحالی که گویش بختیاری را هم چاشنی کارش کرده است، تماشایی است. سکانس ورود کامیون به روستا و بازی احساسی بهداد بی‌نظیر است؛ مرد خشنی که از ابتدا جز جدیت و خشکی احساس، چیز دیگری از او ندیده بودیم، به‌ناگاه در آستانه رسیدن مادر به آرزویش، فرو می‌ریزد. سادگی و عمق شخصیت رحمان وقتی نمایان می‌شود که او سرش را از کامیون بیرون می‌آورد و همه اهالی روستا را برای زیارت ضریح امام حسین(ع) فرامی‌خواند و نوحه گری می‌کند.

او سوار بر کامیون، در خانه را می‌شکند و ضریح را تا پای پنجره اتاق مادر می‌رساند. رحمان درحالی که داخل خودرو پلیس بازداشت شده است، از وعده‌ای که وفا شده، خشنود است.

«هیهات» در سه ایپزود دیگر خود که در هرکدام از آن‌ها قصه‌ای درباره زیارت امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان را روایت می‌کند، گوشه‌ای از درونیات عاشقان حسینی را به تصویر می‌کشد. این فیلم چهار ایپزودی در سینما به نمایش گذاشته شده و بعد از آن چندباری از تلویزیون هم پخش شده است.

در قاب تلویزیون

اربعین به روایت سینماگران مشهدی

ویژه‌برنامه‌های صداوسیما به‌مناسبت ایام اربعین اعلام شد

تصاویر از فرهام درویش خواهد آمد

تصاویر از فرهام درویش بازآرزو

تصاویر از فرهام درویش (ترانه پایتون)

نگار راد| به‌مناسبت اربعین حسینی شبکه‌های مختلف سیما، پخش ویژه‌برنامه‌های مختلفی را در جدول پخش برنامه‌های خود جای داده‌اند؛ برنامه‌هایی که حضور سینماگران مشهدی نیز در آن‌ها پررنگ است. در گزارش پیش‌رو به معرفی برخی از این برنامه‌ها پرداخته‌ایم.

شبکه یک سیما در روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه به‌ترتیب فیلم‌های «تا آنتها حضور»، «ستاره خضرا» و «یاسین» را روی آنتن می‌برد. این شبکه از شنبه ۲۷مهر نیز مینی‌سریال مناسبتی «پناه آخر» را با حضور بازیگرانی چون بیژن امکانیان، کاوه خداشناس، امین زندگانی و حدیث میرامینی پخش خواهد کرد. شبکه ۳ نیز در این ایام، فیلم‌هایی چون «یک تابستان پرهیجان» و «۲۰دقیقه بامداد» روز جمعه و «قدم زدن در بهشت» را در همین ساعت روز شنبه روی آنتن می‌برد. «ترانه پایتون» به روایت کارگردانی حسن آخوندپور، فیلم‌ساز مشهدی، (تولید صداوسیمای خراسان‌رضوی) نیز ساعت ۸ جمعه ۲۶مهر، از این شبکه پخش می‌شود.

شبکه‌های جام‌جم و مستند برای اربعین، برنامه‌های ویژه‌ای را در فهرست پخش خود قرار داده‌اند. بر این اساس، شبکه جام‌جم جمعه ۲۶مهر پویانمایی «قدم‌گاه خورشید» را ساعت ۱۸:۱۵ و فیلم سینمایی «حوض نقاشی» با بازی شهاب حسینی و نگار جواهریان را شنبه ساعت ۱۹ پخش خواهد کرد. شبکه مستند هم مستند «تظاهرات عشق» با پرداختن به حضور خانم ایدی مک‌لود آرسترانگ، از فعالان سیاسی آمریکا، را در راهپیمایی اربعین، ساعت ۱۸ امروز ۲۵مهر روی آنتن می‌برد.

اما از میان فیلم‌های سینمایی که شبکه ۳ سیما برای ایام پیش‌رو در نظر گرفته است، می‌توان به پخش فیلم «پیش خواهد آمد» از بهروز شعیبی، کارگردان مشهدی، در ساعت ۱۰ شنبه و فیلم «شبار ۱۴۳» در ساعت ۱۴:۳۰ همان روز اشاره کرد.

شبکه نمایش نیز در روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه در ساعات ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳ فیلم‌های مختلفی را روی آنتن خواهد برد که از میان آن‌ها می‌توان به «انتخاب ادل»، «پرواز خاموش»، «من هنوز الیس هستم» و «محموله سری» اشاره کرد. فیلم «مردی شبیه باران» به کارگردانی سعید سهیلی، سینماگر مشهد، نیز جمعه ساعت ۱۳ از این شبکه پخش می‌شود. در این میان شبکه ۴ ساعت ۲۰:۳۰ روز جمعه فیلم «ناخواسته» با بازی ستاره اسکندری، بازیگر خراسانی، و همچنین مهرداد صدیقیان و مهتاب کرامتی و شبکه امید، جمعه ساعت ۱۸ فیلم سینمایی «بازمانده» را پخش خواهد کرد. همچنین ساعت ۱۳:۳۰ روزهای پنجشنبه تا جمعه، شبکه شما سه فیلم «جاودانگی»، «ساعت یک نیمه‌شب» و «یک ماه دوست‌داشتنی» را روی آنتن می‌برد.

شبکه نسیم هم در ایام اربعین، برنامه‌های متفاوت «کوک عاشقی»، «هزاردستان» و «چهل‌تیکه» را روی آنتن خواهد برد. برنامه «کوک عاشقی» که به گفت‌وگو با هنرمندان عرصه موسیقی کشور و آثار آن‌ها درباره امام حسین(ع) اختصاص دارد، تا یکشنبه ۲۸مهر هرشب ساعت ۲۱ از این شبکه پخش خواهد شد. برنامه «هزاردستان» نیز ساعت ۲۰ روزهای پنجشنبه و جمعه این هفته به‌ترتیب به میزبانی حدیث میرامینی و لاله صبوری، روانه آنتن می‌شود. همچنین برنامه «چهل‌تیکه» با اجرای محمدرضا علیمردانی امروز میزبان داریوش ارجمند، بازیگر مشهدی سینما، است.

قرار هنری در سی‌وسه اربعین

در روزهای گذشته گروهی از هنرمندان و مدیران فرهنگی کشورمان هم‌پا با مردم راهی کربلا شدند تا در راه‌پیمایی بزرگ اربعین حضور یابند. از میان این افراد می‌توان به پیام دهکردی(بازیگر)، عارفه لک(مدرس سینما)، آ